



دلایل تغییر نظام آموزش متوسطه

برای تغییر نظام پیشین و استقرار نظام جدید دلایل گوناگونی ارائه داده‌اند. مهمترین آنها:

۱. جوانی جمعیت کشور: افزایش دانش‌آموزان دوره متوسطه طی دهه ۱۳۷۰ از حدود ۱/۹ میلیون نفر به حدود پنج میلیون نفر و افزایش شمار فارغ‌التحصیلان متوسطه از سالانه حدود ۲۸۰,۰۰۰ به ۷۰۰,۰۰۰ دیپلم.

۲. کارایی و بازده: نظام قدیم از يك سو با فشار افزایش تقاضاها برای ورود به این آموزشها روبه‌رو بود و، از سوی دیگر، کارایی آن به سبب ترك تحصیل و مردودی کاهش می‌یافت و رد شدن دانش‌آموزان سبب افزایش قابل ملاحظه میانگین مدت تحصیل می‌شد. نسبت فارغ‌التحصیلان دوره متوسطه به ورودی‌های کلاس اول در بعضی از سالهای دهه ۱۳۶۰ به کمتر از ۴۰ نفر از صد نفر رسیده بود، جمعیت دانش‌آموز افزایشی سریع نشان می‌داد و به جمعیت شکست‌خورده‌گان در تحصیل افزوده می‌شد، در همان حال که آموزشهای فنی حرفه‌ای مشتری نداشت و در دهه ۶۰ به کمتر از ۱۲/۸ درصد کل دانش‌آموزان دوره متوسطه رسیده بود. ۳. سازماندهی، طراحی و سمت‌گیری آموزش متوسطه برای ورود به دانشگاه بود اما بیش از ۸۰ درصد دیپلمه‌های نظری از ورود به دانشگاه باز می‌ماندند و به بازار کار سرازیر می‌شدند بی‌آنکه مهارت لازم برای جذب در بازار کار را کسب کرده باشند. در دهه ۱۳۶۰ تنها ۸/۴ درصد دانش‌آموزان دوره متوسطه از رشته‌های فنی حرفه‌ای فارغ‌التحصیل شدند.

۴. نامناسب بودن برنامه رشته‌های نظری قدیم برای نیازهای دانشگاهها، استقبال نشدن از رشته‌های فنی حرفه‌ای، انعطاف‌ناپذیری نظام آموزش متوسطه برای بهره‌گیری از امکانات آموزشی خارج از مدرسه، پذیرش نوآوری‌ها و پاسخگویی به نیازهای ویژه هر منطقه.

ویژگیهای اصلی نظام جدید

مصوبه ۱۲ ماده‌ای شورای عالی انقلاب فرهنگی سه ویژگی اصلی نظام جدید آموزش متوسطه را تعریف و مشخص کرده است:

۱. ارائه دروسها به صورت ۹۶ واحد درسهای مشترك و اختصاصی.

۲. ایجاد شاخه کاردانش به منظور بهره‌گیری از امکانات آموزشهای فنی حرفه‌ای خارج از وزارت آموزش و پرورش.

۳. کاهش طول دوره آموزش متوسطه به سه سال و دائر شدن دوره یکساله پیش‌دانشگاهی ویژه علاقمندان ادامه تحصیل در دانشگاهها.

نظام جدید آموزش متوسطه در پاسخ به افزایش تقاضا برای تحصیل در دوره متوسطه و آموزش عالی از يك سو، و کاهش مستمر تسهیلات و امکانات آموزشی از سوی دیگر طراحی شده است. به بیان صریح‌تر، با افزایش جمعیت و کاهش درآمد سرانه، صرفه‌جویی در هزینه‌ها و ارتقای بهره‌وری از نظام آموزش و پرورش گریزناپذیر است.

اینکه آیا ویژگیهای نظام جدید آموزش متوسطه سبب کاهش هزینه‌ها و بهره‌وری نظام خواهد شد یا نه، نیاز به بررسی جزئیات این برنامه دارد.

در «کلیات نظام جدید آموزش متوسطه» (مهر ۱۳۷۵) کوتاه‌شدن دوره آموزش عمومی از ۱۲ به ۱۱ سال هم اقدامی در جهت کاستن از بار مالی ذکر می‌شود و هم «برای کسانی که تحصیل را به لحاظ ارزش فرهنگی و اجتماعی آن دنبال می‌کنند این امکان فراهم می‌شود که بدون مشقت گذراندن دروسی که در زندگی روزمره به کار آنها نمی‌آید یا مورد علاقه آنها [نیست] به دیپلم دست یابند.»

نظام واحدی

در نظام جدید آموزش متوسطه، هر درس ارزش مستقل و جدا از درسهای دیگر دارد. در این حالت، دیگر دانش‌آموز مردود نخواهد شد، بلکه فقط درسی را که موفق به گذراندن آن نشده دوباره خواهد خواند. به این ترتیب، واحدی شدن دروسها اثرات مثبتی در کاهش هزینه‌ها و ارتقای بهره‌وری برجا می‌گذارد چرا که دانش‌آموز ناچار نیست در کلاسهایی که درس آنها را يك بار خوانده و نمره قبولی گرفته است حضور یابد.

حذف مردودی، گذشته از اینکه از

اتلاف امکانات آموزش پیشگیری می‌کند، اثرات روانی مثبتی نیز بر شخصیت و روحیه دانش‌آموز می‌گذارد، چون بیشتر حالت تجدید شدن يك یا چند درس دارد تا یکسره مردود شدن.

تعداد قابل توجهی از درسها بین شاخه‌ها و رشته‌های گوناگون مشتركاً ارائه می‌شود و از این رو هزینه‌های تولید و چاپ کتابهای درسی و راه‌اندازی کلاسها کاهش می‌یابد.

در نظام جدید آموزش متوسطه سه شاخه اصلی نظری، فنی حرفه‌ای و کاردانش طراحی شده است. شاخه نظری در سال دوم به سه رشته ریاضی، تجربی و علوم انسانی منشعب می‌شود. شاخه فنی حرفه‌ای و کاردانش نیز در سه زمینه صنعت، کشاورزی و خدمات به رشته‌های متعددی تقسیم می‌شود. با وجود این همه تنوع، تمام دانش‌آموزان دوره متوسطه باید تعدادی از درسها را به صورت مشترك بگذرانند.

تعداد این درسهای مشترك در شاخه نظری ۶۶ واحد، شاخه فنی حرفه‌ای ۵۸ واحد و برای شاخه کاردانش ۴۵ واحد است. برای نمونه، درس «نگارش و دستور زبان فارسی» برای دانش‌آموزان هر سه شاخه مشترك است با این تفاوت که دانش‌آموزان شاخه نظری پنج کتاب را در شش واحد مطالعه می‌کنند، اما دانش‌آموزان شاخه‌های فنی حرفه‌ای و کاردانش چهار کتاب را در چهار واحد درسی می‌گذرانند.

ارائه دروسها به صورت واحدهای مستقل همچنین امکان می‌دهد تا آموزشهای خارج از مدرسه نیز ارزشیابی و پذیرفته شود. علاوه بر تسهیل در تغییر رشته، انعطاف‌پذیری بیشتر، ارائه امکان به دانش‌آموزان مستعد برای تسریع در اتمام دوره آموزشی و واحدی‌بودن درسها به‌ویژه برای شاخه کاردانش نیز نه تنها مناسب‌تر، بلکه کاملاً ضروری است.

شاخه کاردانش

فکر اصلی در طرح شاخه کاردانش بهره‌گیری از امکانات گسترده آموزشهای مهارتی موجود در سازمانها و نهادهای خارج از وزارت آموزش و پرورش است. هر چند به سبب حاکم‌بودن

مناسبات بوروکراتیک بر سازمانهای دولتی و فقدان تحرک و پویایی لازم برای همکاری بین‌بخشی تحقق هدفهای شاخه کار دانش به تلاش و کوشش گسترده، پیگیر و همه‌جانبه نیاز خواهد داشت و گرچه به‌خاطر معرفی نادرست و برخی تصمیمات نه‌چندان مناسب استقبال از شاخه کار دانش هنوز در حد مطلوب نیست، با این همه، اجرای شاخه کار دانش، و بهره‌گیری از فضاها، امکانات و نیروهای آموزشی جامعه سبب کاهش هزینه‌های آموزشی می‌شود و تا حدی به تحقق هدف اصلی نظام جدید متوسطه یاری می‌رساند.

شاخه کار دانش، از پایه دوم در سه زمینه صنعت، کشاورزی و خدمات به رشته‌های گوناگون منشعب می‌شود و دانش‌آموزان متناسب با نیازهای و امکانات هر منطقه آموزشی و بسته به علاقه خودشان در یکی از رشته‌های مورد علاقه به تحصیل ادامه می‌دهند. دانش‌آموزان شاخه کار دانش ۴۵ واحد درسی خود را که با شاخه‌های دیگر مشترک است در دبیرستان می‌گذرانند، ۴۷ واحد را به‌عنوان واحدهای مهارتی در رشته‌های مورد علاقه خود، و ۴ واحد باقی‌مانده تا ۹۶ واحد را به اختیار خود انتخاب می‌کنند.

دانش‌آموزان شاخه کار دانش می‌توانند ۴۷ واحد مهارتی را خارج از مدرسه و در آموزشگاهها یا کارگاههای آموزشی وابسته به نهادهایی غیر از وزارت آموزش و پرورش بگذرانند. برای ارائه درسهای مهارتی ضروری است که کیفیت و کمیت آنها را کارشناسان شناسایی و در قالب واحدهای درسی تعریف کنند. به این ترتیب، تاکنون بیش از ۹۰۰ استاندارد مهارت تعریف شده و از ترکیب آنها ۷۵۰ رشته مهارتی تعیین شده است. برای نمونه، با همکاری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، نه برنامه برای رشته‌های آینه‌کاری، گچ‌بری، نشر رومیزی، چاپ سیلک، حجم‌سازی، نقاشی، تذهیب و تشعیر، نگارگری و تصویربرداری تدوین شده و ۲۵ برنامه دیگر نیز در دست تدوین است.

پس از تعیین استانداردهای هر رشته، که مسئولیت آن بر عهده سازمان مربوطه است، دانش‌آموزان با همکاری آموزش و پرورش و زیر نظر آن سازمان واحدهای مهارتی خود را می‌گذرانند و پس از کسب گواهینامه درجه یک مهارت - که معادل ۴۷ واحد درسی است، و در صورتی که ۴۵ واحد درس‌های مشترک و عمومی

را همراه با ۴ واحد اختیاری (جمعاً ۹۶) بگذرانند - درجه دیپلم می‌گیرند. دانش‌آموزان شاخه کار دانش می‌توانند در آزمون ورودی دوره یکساله پیش‌دانشگاهی نیز شرکت کنند و در صورت قبولی به تحصیل خود ادامه دهند.

ارائه درسا به صورت واحدی-نیمساله ساختار مناسبی برای شاخه کار دانش است و این امکان را به مدیران واحدهای آموزشی در مناطق و شهرستانها می‌دهد که با توجه به امکانات و نیازهای ویژه هر منطقه زمینه آموزشهای مهارتی دانش‌آموزان شاخه کار دانش را فراهم سازند و از امکانات تحصیلی دیگر بخشهای دولتی و حتی خصوصی نیز بهره بگیرند. در عمل، سازمانهای دولتی و بنگاههای بخش خصوصی هنوز از ورود دانش‌آموزان به حیطه اداری و کاری خویش و درگیر شدن در امور آموزشی استقبال نکرده‌اند و موفقیت نظام جدید در این زمینه چشمگیر نبوده است.

دوره پیش‌دانشگاهی

در حالی که حدود ۸۰ درصد دیپلمه‌ها از ورود به دانشگاه‌ها باز می‌مانند، کاهش طول دوره متوسطه از چهار سال به سه سال و ایجاد دوره یکساله پیش‌دانشگاهی قرار است یکی دیگر از روشهای مؤثر برای برخورد به افزایش تقاضا و کاهش بودجه آموزشی باشد. در نظام جدید، فارغ‌التحصیلان دبیرستان با یک آزمون سراسری برای شرکت در دوره پیش‌دانشگاهی گزینش می‌شوند. شمار گزینش‌شدگان متناسب با ظرفیت دانشگاهها و نیاز هر منطقه است.

دانش‌آموزان دوره پیش‌دانشگاهی ۳۲ واحد درسی را که از یک سو متناسب با شاخه تحصیلی آنها و از سوی دیگر متناسب با نیازهای دانشگاه‌های کشور است می‌گذرانند و، در صورت دریافت گواهینامه قبولی، در کنکور ورودی دانشگاه شرکت می‌کنند.

هدف از راه‌اندازی دوره پیش‌دانشگاهی صرفه‌جویی در هزینه‌های سنگین آموزش درسهای نظری دشوار به دانش‌آموزانی است که ۸۰ درصد آنان به تحصیلات عالی راه نمی‌یابند. این نخستین بار نیست که برای ایجاد ارتباطی منطقی بین دبیرستان و دانشگاه چنین تمهیدی اندیشیده می‌شود. درست شصت سال پیش نیز کلاس دوازدهم را برای آمادگی ورود به دانشگاه گذاشتند، اما به جای نرسیدن (نگاه کنید به «سیر تحول آموزش متوسطه» در ادامه همین گزارش). در جریان اجرای دوره پیش‌دانشگاهی

مشکلاتی بروز کرد. اول، گزینش دیپلمه‌های دو نظام جدید و قدیم، برای ورود به دانشگاهها بود که باید در دو مسیر متفاوت و جداگانه مسابقه دهند و تعیین ضوابطی که منجر به گزینش عادلانه شود دشوار است.

مشکل دیگر این است که قبول‌شدگان دوره پیش‌دانشگاهی خودشان را دانشجو می‌دانند. مشکل بعدی: قبول‌نشدهگان در آزمون پیش‌دانشگاهی نمی‌توانستند بپذیرند که امکان ادامه تحصیل ندارند. این صداهای ناراضی در مجلس بازتاب یافت و مجلسیان با تصویب لایحه‌ای که به مردهای آزمون پیش‌دانشگاهی هم اجازه می‌دهد در کنکور شرکت کنند یکی از ارکان مهم نظام جدید متوسطه را از کار انداختند (نگاه کنید به «شخصیت انتخابی، مقام انتصابی» در ادامه همین گزارش).

اشکالها، اعتراضها

یکی از نخستین مشکلاتی که نظام واحدی-نیمساله با خود آورد ساعت‌های خالی بین دو کلاس بود. در شیوه متعارف مدرسه رفتن، مردم چنین عادت کرده‌اند که بچه‌هایشان صبح به مدرسه بروند و ظهر یا عصر برگردند. حتی برای اجرای این برنامه متعارف هم خانواده‌هایی به دردمر می‌افتند (از جمله، در مواردی که دانش‌آموز پیش از پدر و مادر به خانه برگردد). مدیران دبیرستانها کوشیده‌اند از چنین خلاهایی جلوگیری کنند و برنامه درسی را به گونه‌ای بریزند که ساعتی بین دو کلاس خالی نماند، و در بسیاری موارد در این کار توفیق یافته‌اند.

اصلاحات، تغییرات

در پاسخ به دشواریهای ساختاری نظام جدید آموزش متوسطه - به‌ویژه پس از چند سال از اجرای آن - دو تغییر مهم در لایحه جدید نظام آموزش و پرورش پیش‌بینی شده است: تبدیل روش واحدی-نیمساله به واحدی-سالی؛ و موکول کردن حضور در دوره پیش‌دانشگاهی به قبول شدن در مرحله اول آزمون سراسری دانشگاهها و مراکز آموزش عالی. به فارغ‌التحصیلان این دوره گواهی پایان دوره داده می‌شود که به منزله مجوز شرکت در مرحله دوم آزمون سراسری خواهد بود.

اینکه آیا این دو ماده از لایحه جدید - در صورت تصویب دولت و مجلس - مشکلات ساختاری نظام جدید آموزش و پرورش را برطرف می‌کند؟ موضوع بحث جداگانه‌ای است. با این

همه، آمار نشان می‌دهد که نظام جدید متوسطه در تحقق هدفهای خود - پاسخ به تقاضای فزاینده تحصیلی همراه با کاهش نسبی امکاناتها - ناموفق نبوده است. می‌توان دید که هدف اصلی کارشناسان و طراحان نظام جدید در واقع منطبق کردن نظام آموزشی با بودجه موجود و پاسخگویی به افزایش تقاضاست. پرسش اول: هیچ راهی برای افزایش بودجه آموزش و پرورش و کاستن از بودجه سازمانهای دیگر وجود ندارد؟ در لایحه‌ای که وزارت آموزش و پرورش در

فروردین امسال برای بردن به مجلس تدارك دیده است، نظام واحدی-نیمسالی به واحدی-سالی تغییر خواهد یافت. پرسش دوم: این گونه التقاط دو شیوه متفاوت چه پیامدهایی خواهد داشت؟ مثلاً دانش آموز به کلاس سوم می‌رود در حالی که درس ریاضیات کلاس دوم را هنوز نگذرانده است و باید در سر آن کلاس هم حضور یابد. در گفتگو با کارشناسان پاسخی برای این مشکل - اگر واقعاً مشکلی پیش بیاید - نیافتیم. طراحان برنامه نظام جدید در برابر فشار جامعه و

محدودیتها ناچار از عقب‌نشینی شده‌اند. سؤال سوم: کارشناسان پیش‌بینی این مشکلات و عقب‌نشینی کنونی را هم کرده بوده‌اند؟ باید منتظر مطرح شدن لایحه در مجلس ماند و دید که چه آخر و عاقبتی خواهد یافت. ناظرانی بدبین معتقدند هر طرحی در این مملکت در اسرع وقت از محتوای اصلی تهی می‌شود و پوسته‌ای پوک از آن بر جا می‌ماند. امیدوار باشیم که این گونه منتقدان سختگیر شاهد دیگری برای اثبات نظر خویش نیابند.

”تقویم آموزشی تعیین کننده نیست“



گفتگو با جعفر علاقمندان

معاون آموزش متوسطه وزارت آموزش و پرورش

اکنون، شش سال پس از آغاز اجرای نظام جدید آموزش متوسطه، در برخی از جنبه‌های این نظام اصلاحاتی صورت می‌گیرد. تبدیل شیوه واحدی-نیمسالی به واحدی-سالی و نیز تبدیل دوره پیش‌دانشگاهی به دوره تکمیلی از آن جمله‌اند. جعفر علاقمندان، معاون آموزش متوسطه وزارت آموزش و پرورش، چگونگی این تغییرها و اجرای آنها را در گفتگویی در بهمن سال ۱۳۷۶ با لوح توضیح داد. فشرده این گفتگو.

شیوه واحدی و ضرورت در پیش‌گرفتن این شیوه در نظام جدید: ”شیوه واحدی یعنی هر درس ارزش مستقلی دارد. این شیوه در نظام آموزش متوسطه به این دلیل انتخاب شد تا با تعداد زیاد مردودیها و نیز با انبوه ترك‌تحصیلی‌های ناشی از مردودیها مقابله شود. در نظام قبلی، از هر ۱۰۰ نفر ورودی به دوره متوسطه دست‌کم ۴۸ نفر پیش از پایان دوره چهارساله ترك تحصیل می‌کردند و هیچ‌کس هم نمی‌پرسید این افراد کجا می‌روند. در نظام جدید از هر ۱۰۰ نفر ورودی تقریباً ۸۵ نفرشان تا بعد از پایان سه سال همچنان در نظام آموزشی مشغول تحصیل‌اند. نظام نیمسالی انعطاف فوق‌العاده‌ای دارد و شرایط مناسبی برای اجرای شاخه‌های فنی حرفه‌ای و کاردانش فراهم می‌آورد.“

شیوه واحدی-نیمسالی در جریان عمل: ”یکی از این ضعفهای نظام نیمسالی این است که اگر بچه‌ها در طول يك ترم یا به دلیلی با مشکل تعطیلی روبه‌رو بشوند، چون فرصت کافی برای جبران زمان از دست رفته نمی‌یابند، احتمالاً لطمه می‌بینند. مهمترین ایرادی که به نظام واحدی نیمسالی می‌گیرند رابطه عاطفی دانش‌آموز و معلم است. این حرف درستی است، چرا که در نظام واحدی-نیمسالی معلمها خیلی سریع جابه‌جا می‌شوند و ارتباط عاطفی محکمی بین معلم و شاگرد به وجود نمی‌آید. در کشورهایی که نظام واحدی-نیمسالی اجرا می‌کنند به این نکته توجه کرده‌اند و معلم به يك واحد آموزشی اختصاص دارد و بین چندین واحد آموزشی در رفت و آمد نیست.“

در کشور ما مدیر مدرسه معلمها را انتخاب نمی‌کند؛ منطقه آموزشی آنها را توزیع می‌کند. در نتیجه، معلم در پایان هر نیمسال تحصیلی جابه‌جا می‌شود و پیوند عاطفی دانش‌آموز با او گسسته می‌شود. نظام نیمسالی در مدارس بزرگ - یا بیش از ۴۰۰ دانش‌آموز - بسیار خوب عمل می‌کند. اما در مدارس کوچکتر با مشکلاتی روبه‌رو می‌شود. بخشی از امکانات ما در نظام قدیم شکل گرفته و الان قادر نیستیم آن واحدها را بزرگ کنیم. در ساخت‌وسازهایی که از سال ۱۳۷۰ شروع کرده‌ایم، سفارش ما احداث مدارس برای حدود ۴۸۰ دانش‌آموز است.“

انعطاف در تلفیق دو نظام: ”با توجه به مجموعه شرایط موجود، ارائه درسها در نظام متوسطه می‌تواند در جاهایی به صورت نیمسالی باشد و در جاهایی به صورت سالی. در بعضی رشته‌ها شیوه سالی مناسب‌تر است اما در رشته‌های دیگر نیمسالی. برای مثال، در شاخه کاردانش، يك مهارت را که به ۵۰ ساعت آموزش مهارت نیاز دارد اصلاً نمی‌توان به عنوان يك واحد درسی در طول يك سال ارائه داد. معنای این کار آن است که این دانش‌آموز به جای اینکه در هفته چهار روز با کار ممارست پیدا کند، چون کار به طول سال تقسیم می‌شود، يك روز در هفته ممارست پیدا می‌کند. از این نظر يك مقدار مشکل پیدا خواهد شد. اگر ما بخواهیم يك تقویم آموزشی ثابت برای کل کشور ایجاد کنیم، موفقیت چنین امری زیر سؤال است. می‌توانیم بگوییم که در نظام سالی-واحدی باید به این سمت حرکت کنیم که دو ترم مستقل داشته باشیم. برای بعضی از رشته‌ها در ابتدای سال دانش‌آموزان برای هر دو ترم واحد بگیرند و درسها به شکل پیوسته اجرا شود، اما برای بعضی از رشته‌ها، که نمی‌توان به صورت پیوسته اجرا کرد، در آغاز هر ترم انتخاب واحد کنند. در حال حاضر مشغول امکان‌سنجی برای اجرا هستیم تا ببینیم در چه جاهایی شیوه سالی-واحدی قابل اجراست و کارها را آسان می‌کند و در چه جاهایی شرایط را دشوارتر.“